روزنامه هم‌میهن
www.hammihanonline.ir

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰-۰۲۱

نگاه آخر

فرهنگ و زندگی اقساطی

محسن سلیمانی‌فاخر
منتقد و نویسنده

آنچه این روزها در جامعه ایران جریان دارد، دیگر صرفاً گرانی یا فشار اقتصادیِ مقطعی نیست؛ ما با نوعی دگرگونی عمیق در منطق زیستن روزمره روبه‌رو هستیم. وقتی خرید اقلامی مانند ماست و روغن که زمانی بدیهی‌ترین اجزای سفره بودند به‌شکل اقساطی ممکن می‌شود، مسئله فقط کاهش قدرت خرید نیست؛ مسئله فروپاشی تدریجی تصور ما از زندگی عادی است.

چندی پیش قسطی‌شدن خدمات دندانپزشکی مطرح بود، که خود نشانه‌ای روشن از عقب‌نشینی رفاه از بدن شهروندان بود؛ جایی که سلامت دهان و دندان، از حق اولیه به کالایی لوکس تبدیل شد. اما حالا با اضافه‌شدن خوراک دم‌دستی به فهرست خریدهای اقساطی، این عقب‌نشینی از سطح بدن به سطح بقا رسیده است. وقتی درمان قسطی می‌شود و بعد خوراک هم نسیه می‌شود، جامعه وارد مرحله‌ای می‌شود که در آن نه‌تنها کیفیت زندگی، بلکه امکان زندگی معمولی زیر سوال می‌رود. این دیگر فقط فقر نیست؛ این عبور آرام از مرز زندگی آبرومند به‌سمت زیستن حداقلی است، وضعیتی که در آن بدهکار شدن، شرط زنده‌ماندن می‌شود.

پلتفرم‌ها، خدمات اعتباری را به کل سبد خرید تعمیم داده‌اند و این اقدام را با ادبیات حمایت از مصرف‌کننده توضیح می‌دهند. اما واقعیت اجتماعی چیز دیگری است؛ قسطی‌شدن خوراک، نشانه رفاه نیست، نشانه نهادینه شدن فقر است. این‌جا دیگر وام برای خرید خانه یا خودرو مطرح نیست، بلکه بدهی برای زنده‌ماندن روزمره است. جامعه‌ای که لبنیات‌اش قسطی می‌شود، وارد مرحله مدیریت مصرف نشده؛ وارد مرحله مدیریت بقا شده است.

نمی‌دانم در این اوضاع نسیه‌زیستی، آن سبد معروف فرهنگی خانوار چه بلایی سرش می‌آید؟ آیا می‌شود مثلاً بلیت نیم‌میلیونی تئاتر را اقساط کرد یا نه کتابفروشی‌ها یک سبد فرهنگی پیشنهادی از کتاب‌های فروش‌نرفته، بنجل و بادکرده‌شان را پَک کنند و به‌صورت ببر و بعداً پرداخت‌کن به مخاطبان فرهنگ‌دوست ارائه کنند؟

مثلاً آیا این تصور روزی اجرایی خواهد شد که برای خرید یک تابلوی خوشنویسی یا یک کتاب رمان دلخواه، وام بانکی گرفت یا کارت ملی گرو گذاشت که تا زمان تسویه اقساط، نزد فروشنده بماند؟ و از همه اینها اسفناک‌تر آیا مخاطب طبقه متوسطی که این روزها ته‌مانده نفس و حضورشان باقی است، آیا اصلاً تمایل ذاتی برای ورود به عرصه فرهنگ و هنر خواهند داشت؟ آیا اولویتی برای یک مخاطب هنردوست وجود دارد که مثلاً از یک روغن و ۸۰۰ گرم پنیر یواف کالابرگی‌اش بزند و ناپرهیزی کند و به تماشای فیلمی به سینما برود؟ اساساً این میدان هنر جایگاه جولان و عرضه دارد یا خیر؟ آیا می‌شود سینماداری را قانع کرد که سینمایش را تغییر کاربری ندهد و منتظر مشتری مرفه خود بنشیند یا سرمایه‌گذاری پولش را از امور عمرانی و این‌همه درآمدهای طبقه خودش به‌سمت سینما تغییر دهد؟ خدا کند که این تصورها واهی بماند!

اما از این وضعیت، خطرناک‌تر؛ اظهارات گزاف و تحقیرآمیز برخی چهره‌های رسمی درباره پرتوقع‌بودن مردم است. وقتی گفته می‌شود مردم نباید انتظار زندگی شبیه قطر و امارات را داشته باشند، مسئله فقط یک جمله نسنجیده نیست؛ این یک چارچوب فکری است. چارچوبی که در آن، مطالبه زندگی آبرومند، تبدیل به زیاده‌خواهی می‌شود و فقر، تبدیل به وضعیت طبیعی.

منتقدان به‌درستی می‌پرسند که مسئله شباهت به قطر یا امارات نیست؛ مسئله این است که چرا کشوری با این حجم از منابع طبیعی، سرمایه انسانی و موقعیت راهبردی، به جایی رسیده که شهروندش برای روغن، استراتژی خرید طراحی می‌کند و برای ماست، قسط می‌بندد. این مقایسه‌ها، وقتی از زبان مسئولان بیان می‌شود، بیشتر شبیه شانه خالی کردن از مسئولیت است تا تحلیل واقع‌بینانه.

خوراک قسطی و این اظهارات گزاف، نشانه‌ای از یک وضعیت واحدند؛ اقتصادی که آینده را به تهدید بدل کرده است. در چنین اقتصادی، مردم نه مصرف‌کننده‌اند، نه شهروند؛ بلکه بازیکنانی‌اند که مدام در حال حدس‌زدن حرکت بعدی قیمت‌ها هستند. نتیجه این وضعیت، فرسایش روح، افزایش اضطراب و فروپاشی آرام امیدهاست.

اگر سیاست‌گذار همچنان به‌جای ترمیم ثبات، به عادی‌سازی این وضعیت ادامه دهد، جامعه یاد خواهد گرفت چگونه زنده بماند، اما دیگر نخواهد دانست، چگونه زندگی کند، چگونه به فرهنگ روی آورد، چگونه هنر را دوست داشته باشد و این، هزینه‌ای است که نه با قسط جبران می‌شود و نه با تمهیدات وزرا.

نیم‌فصل بدون خارجی‌ها؟

قطعی اینترنت و اتفاقات جاری کشور باعث شده تعدادی از بازیکنان خارجی تیم‌های لیگ برتر به ایران برنگردند

سپهر خرمی
گزارشگر ورزشی هم‌میهن

نیم‌فصل دوم فوتبال ایران برخلاف انتظار به دو دلیل غیرقابل پیش‌بینی‌شده، با جنب‌وجوش خاصی آغاز نشد. نخست اینکه، بسیاری از بازیکنان و مربیان خارجی باتوجه به آنچه سفارت برخی کشورها از آن‌ها درخواست کردند، ایران را ترک و به کشور خودشان برگشتند. دوم اینکه، تمام مسابقات در شهرهای مختلف بار دیگر بدون تماشاگر شدند و پرسپولیس و استقلال باتوجه به نبود حتی یک ورزشگاه متوسط در پایتخت، خانه‌به‌دوش شدند. استقلال به اجبار ورزشگاهی در شهر زیبای یزد را برای میزبانی از رقبای داخلی در لیگ برتر معرفی کرد و پرسپولیسی‌ها نیز برای دیدارهای خانگی، به شهر قزوین می‌روند تا نیم‌فصل دوم چنین آغاز شود. تمام این چالش‌ها باعث شد تا گفت‌وگویی با علی تاجرنیا، مدیرعامل استقلال داشته باشیم تا از آخرین وضعیت بازیکنان خارجی این تیم، همچنین شرایط حضور ساپینتو جویا شویم. همچنین علاوه بر چالش جدید ایجادشده برای باشگاه‌های ایرانی، درخصوص بازیکنان و مربیان خارجی خواهیم گفت که در آستانه شروع نیم‌فصل دوم لیگ برتر ایران، کشورمان را ترک کردند و بعید به‌نظر می‌رسد حداقل در بازه زمانی کوتاه، دوباره به تیم‌های ایرانی برگردند.

سوپراستارهای استقلال رفتنی شدند؟

تیم فوتبال استقلال در این فصل اتکای زیادی به بازیکنان خارجی خود داشته و طبعاً چنین شرایطی برای ساپینتو بسیار سخت خواهد بود؛ اگر بازیکنان تاثیرگذارش را در ادامه فصل در اختیار نداشته باشد. ماجرا از این قرار است که بعد از پیروزی استقلال مقابل نماینده هرمزگان در جام حذفی، بازیکنان خارجی و دستیاران خارجی ساپینتو، ایران را ترک و به استانبول رفتند تا از آنجا به کشورهای خود برگردند. در ابتدا باشگاه استقلال قرار بود اردوی سه‌روزه‌ای را در استانبول برگزار کند تا قبل از مسابقه حساس با تراکتور، تمرینات تیم با خللی مواجه نشود اما این اتفاق نیز رخ نداد و طبعاً منطقی هم نبود. «جورجیوس اسکیاتیتیس»، مربی یونانی که از ابتدای فصل جاری به‌عنوان مربی گلرها به جمع اعضای کادرفنی ریکاردو ساپینتو اضافه شده بود، بعد از بازی با فولاد هرمزگان، همراه خارجی‌های تیم به ترکیه سفر کرد تا با خانواده خود دیدار کند. ازسوی‌دیگر، حالا گفته می‌شود که مربی گلرهای یونانی نیز احتمالاً به ایران برنگردد. جورجیوس طی صحبت‌هایی که با ساپینتو انجام داده، از علاقه خود برای قطع همکاری با استقلال صحبت کرده است. او نیز احتمالاً مثل موراریس، قرارداد خود را با آبی‌پوشان فسخ کند و از حضور در کادرفنی انصراف بدهد. علی تاجرنیا، مدیرعامل استقلال در گفت‌وگو با روزنامه «هم‌میهن» درخصوص اینکه شرایط بازیکنان خارجی این تیم در نیم‌فصل دوم چطور پیش می‌رود، گفت: «آشورماتوف شنبه‌شب به ایران برگشت و در تمرینات شرکت می‌کند. اما منیر حدادی، یاسر آسانی (اسپانیایی) و آدان (آلبانی) ـ که دو بازیکن خارجی ما هستند ـ فعلاً در تمرینات استقلال شرکت نمی‌کنند. البته آنها از ایران رفتند؛ چون سفارت اسپانیا و آلبانی با آنها مکاتبه و درخواست کرد که ایران را ترک کنند و امیدواریم شرایط طوری پیش برود که تمام بازیکنان خارجی‌مان را در ادامه مسیر داشته باشیم. این موضوع فراتر از فوتبال است و نیازمند این است که وزارت امور خارجه ورود کند تا درنهایت با مکاتبه‌ای که شکل می‌گیرد، منجر به این مسئله شود که سایر بازیکنان ما نیز برگردند». تاجرنیا در ادامه پیرامون اینکه سفارت پرتغال و ساپینتو باوجودی که باهم در ارتباط بودند اما مربی پرتغالی ترجیح داد بماند، گفت: «سفارت پرتغال به آقای ساپینتو تاکید داشت که از ایران خارج شود و حتی تسهیلاتی را در اختیار مربی ما قرار داد که از ایران برود، اما ساپینتو واقعاً پای کار ایستاد و باید از ایشان قدردانی کرد که استقلال را تنها نگذاشت و باوجود پیام‌هایی که دریافت کرده بود، مقابل تیم هرمزگان در یزد هم روی نیمکت حضور یافت».

چادرملو اینترنت داد، خارجی‌ها نرفتند

درحالی‌که استقلال و تراکتور با چالش جدی فسخ قرارداد و بازگشت خارجی‌ها به کشورشان روبه‌رو هستند، باشگاه چادرملو راهکاری را اندیشیده که بازیکنان خارجی خود را در اختیار داشته باشد. علیرضا بابایی، مدیرعامل چادرملو اردکان طی گفت‌وگویی که با رسانه باشگاه چادرملو انجام داد، در مورد شرایط بازیکنان خارجی تیم فوتبال‌شان گفت: «تماس‌هایی از سفارت کشورهای مختلف با بازیکنان خارجی تیم‌ها برقرار شد و آن‌ها تحت‌تأثیر قرار گرفتند. وقتی این اتفاق افتاد، جلسه فوق‌العاده‌ای در باشگاه تشکیل دادیم. بازیکنان چادرملو در تیم باقی ماندند و خانواده‌های آنها را به کشورشان فرستادیم.» مدیرعامل باشگاه چادرملوی اردکان، درباره وضعیت ژوزه مانوئل موریرا ـ دستیار پرتغالی سعید اخباری ـ اظهار داشت: «مربی ما تمایل داشت در ایران بماند، اما از طرف سفارت کشورش تحت فشار بود. پس از مشورت با کادر فنی، به ژوزه دو هفته مرخصی دادیم تا به پرتغال بازگردد.» بابایی با بیان اینکه، به‌نظر می‌رسد بازیکنان خارجی تیم فوتبال این باشگاه مشکلی با ماندن در ایران ندارند، تأکید کرد: «همه بازیکنان ما مشکل داشتند، اما آن را حل کردیم و به آنها اینترنت دادیم. مدیریت بازیکنان خارجی، فقط به جذب آنها نیست و باید به این نفرات رسیدگی کرد. محل اقامت آنها باید متمرکز و ثابت باشد، همچنین باید سبک زندگی خارجی‌ها را با فرهنگ کشورمان مطابقت بدهیم.»

شرایط مبهم تراکتوری‌ها

باشگاه تراکتور نیز یکی دیگر از تیم‌هایی است که با چالش فسخ قرارداد خارجی‌های خود روبه‌رو شده است. دستیاران دراگان اسکوچیچ، قرارداد خود را با این تیم فسخ کرده و به پایان کار خود در جمع سرخپوشان تبریزی رسیده‌اند، همچنین با ترک ایران، دیگر به کشور باز نخواهند گشت و راهی کرواسی می‌شوند. براساس آخرین اخبار؛ مربی اول (ویه کوسلا و میلتیچ)، مربی دوم (سانل کونیویچ)، مربی دروازه‌بان‌ها (ملادن زگانیر) و آنالیزور (دینو زیسکا)، نفراتی هستند که با فسخ قرارداد خود به پایان کارشان در تبریز رسیده‌اند. این درحالی‌است که تراکتور بدون دستیاران اسکوچیچ راهی یزد شد تا مقابل استقلال به میدان برود. درحال‌حاضر دستیاران دراگان اسکوچیچ قراردادی با این تیم نداشته و کادرفنی این تیم در موقعیت عجیب و باورنکردنی قرار گرفته است. این درحالی‌است که شنبه ظهر، مهرداد خانبان با تیم تراکتور قرارداد امضاء کرده و به کادرفنی این تیم پیوسته است. او در تیم ملی نیز همکار دراگان اسکوچیچ بود و در ابتدای فصل از پرسپولیس جدا شد. البته نیمه پر لیوان برای تراکتوری‌ها این است که فعلاً شش بازیکن خارجی این تیم، قصد جدایی و ترک ایران را ندارند. البته نکته مبهم این است که تراکتور بدون بازیکن اروپایی خود مقابل استقلال وارد زمین شد تا مشخص شود شاید بازیکنان اروپایی‌شان نیز قصد ترک ایران را داشته باشند. درحال‌حاضر مربی اول (ویه کوسلا و میلتیچ)، مربی دوم (سانل کونیویچ) و آنالیزور (دینو زیسکا)، مربیان جداشده به‌حساب می‌آیند. گفتنی است تراکتور در مرحله یک‌هشتم پایانی جام‌حذفی مقابل شمس‌آذر در قزوین به میدان نرفت؛ چراکه اسکوچیچ قصد نداشت از تبریز با پرواز به قزوین برود و همین موضوع باعث شد تا کل تیم در تبریز بماند.

سپاهان و پرسپولیس دو روی سکه

باشگاه پرسپولیس از ماه پیش اردوی ۹ روزه‌ای را برای نیم‌فصل فراهم کرد تا تیم در کمپ اسپایر، اردوی نیم‌فصل را برگزار کند. بعد از ۹ روز تمام بازیکنان و اعضای کادر فنی به تهران برگشتند و اغراق نیست اگر بگوییم که پرسپولیس در جمع مدعیان، تنها تیمی است که تمام بازیکنان و اعضای کادر فنی خارجی خود را در اختیار دارد و فعلاً هیچ‌یک از آنها ایران را ترک نکرده‌اند، بلکه در همین‌بین یک بازیکن ازبکستانی را هم جذب کردند. سپاهان اما برخلاف پرسپولیس، دو بازیکن خارجی خود را در هفته نخست دور برگشت، در اختیار نداشت و محرم نویدکیا نیز اعلام کرد، از بازیکنان خارجی‌اش خبر ندارد که کجا هستند! باید دید طی روزهای آتی، شرایط برای بازگشت بازیکنان و مربیان خارجی چطور فراهم خواهد شد. «وصل‌شدن اینترنت» یکی از موضوعاتی است که برای مربیان و بازیکنان خارجی از اهمیت بالایی برخوردار است که بتوانند با خانواده خود در تماس باشند. طی دو روز اخیر، هم پیامک‌ها وصل شد و هم بخش گوگل طی اطلاعیه وزارت ورزش و جوانان باز شد. شاید شرایط طوری پیش برود که بازیکنان خارجی هم به‌مرور به ایران برگردند.

تئاتر ایران

زمستان صحنه

نگاهی به وضعیت سالن‌های نمایش تهران در این روزها

گروه فرهنگ: تئاتر یکی از اولین قربانیان هر بحرانی در ایران است. شرایط تئاتر در بحران‌ها با دیگر هنرها تفاوت عمیقی دارد. امکان جمع‌شدن دوباره گروهی که برنامه‌ریزی کرده‌اند برای مدتی در خدمت تئاتری باشند و احتمالاً بعد از آن هم سلسله برنامه‌های دیگری دارند، بسیار دشوار است. مثلاً نمایش فیلم را می‌توان در بازه زمانی دیگری تمدید کرد یا نمایشگاه تجسمی را به تأخیر انداخت، اما تئاتری که روی صحنه است، مدت‌ها تمرین کرده و بازه زمانی خاصی را برای اجرا انتخاب کرده است، خیلی سخت می‌توان دوباره احیا کرد. بحران‌های پیاپی سال‌های اخیر از بزرگترین آن یعنی کرونا تا اتفاقات ۱۴۰۱ و... امروز تبعات زیادی برای تئاتر و اقتصاد آن داشته است. حالا هم خبر می‌رسد که چراغ‌های سالن تئاتر، لااقل در تهران کم‌سوتر از همیشه است.

تئاترهای تهران از شامگاه جمعه ۱۹ دی‌ماه به‌دلیل ناآرامی‌های اخیر در تعطیلی به‌سر می‌بردند، اما به‌نظر می‌رسد که از چند روز گذشته دومجموعه تئاترشهر و ایرانشهر، فعالیت خود را با ۱۰ نمایش آغاز کرده‌اند. البته همین تعداد اجراهای محدود نیز از سه‌شنبه، ۳۰ دی‌ماه به‌دلیل آمادگی برای میزبانی چهل‌وچهارمین جشنواره تئاتر فجر به پایان می‌رسد. بااین‌حال تالار اصلی تئاترشهر میزبان نمایش «باد زرد ونگوگ» به کارگردانی علیرضا کوشک‌جلالی است که در زمان نگارش این گزارش، بلیت‌های آن در سایت فیدیبو به پایان رسیده و در سایت تیوال هم بلیت‌فروشی برای آن متوقف شده است. نمایش «فینگرفود»، «تاراتینا»، «بازی بزرگ»، «کشتن موتسارت یا بلعیدن پای اختاپوس»، «قصاب»، «بعد از یک نمایش»، «در همسایگی تزارها»، «کاپوتاژ» و «شوخی می‌کنید مسیو تانر» از جمله اجراهای تالار چهارسو، قشقایی، سایه، کارگاه نمایش در تئاترشهر و سالن‌های ناظرزاده کرمانی و استاد سمندریان در ایرانشهر هستند. از بین این ۱۰ نمایش، فقط بلیت‌های دو تئاتر «باد زرد ونگوگ» و «قصاب» به پایان رسیده است. اکثر اجراها در ۲۹ دی‌ماه به پایان می‌رسند و برخی دیگر در ۳۰ دی‌ماه. بااین‌حال در سایت تیوال برای خرید بلیت هریک از این نمایش‌ها، با این اعلان درباره وضعیت اجرا مواجه خواهید شد: «برای آگاهی از لغو اجراها، به پیام همیاری پای برگه اثر مراجعه کنید. درصورتی‌که لغو از سوی گروه همیاری اعلام نشده باشد، به‌معنی برگزاری اجراست. لطفاً تا زمان سانس، بلیت خود را مرتب در سایت تیوال بررسی کنید.»

بررسی سایر نمایش‌های در حال اجرا در سایت تیوال نشان می‌دهد که به‌جز ۱۰ نمایش در حال اجرا در دو مجموعه تئاترشهر و ایرانشهر، امکان خرید بلیت برای نمایش‌هایی محدودی در بوتیک هنر ایران، تماشاخانه سیمرغ، عمارت هما، تئاتر لبخند، عمارت نوفل لوشاتو و خانه نمایش دا، وجود دارد. نمایش‌های «عمارت چخوف»، «بکش تا زنده بمانی»، «سر انقلاب»، «باخ»، «تلافی جیره‌بندی»، «دشمن خدا»، «سوءقصدهایی به زندگی آن زن»، «پابرهنه، لخت، قلبی در مشت» و «شاهدخت و هیزم‌شکن» از جمله برخی نمایش‌هایی هستند که در سالن‌های خصوصی به‌نمایش درآمده‌اند. ازطرف‌دیگر، سایر نمایش‌هایی که در صفحه اول سایت تیوال نمایش داده می‌شوند، در زمان خرید بلیت، برای مخاطب پیامی مبنی بر اینکه «زمان خرید یا رزو به پایان رسیده است»، منتشر می‌کنند.

سایت‌های ایران نمایش، گیشه تئاتر و فیدیبو از دیگر کانال‌های خرید بلیت تئاتر هستند که بررسی آن‌ها به ما در درک وضعیت اجراها در سالن‌های نمایش کمک خواهد کرد. در سایت فیدیبو، نام هیچ نمایشی برای خرید بلیت و تماشای آن درج نشده است. در سایت ایران نمایش نیز به‌همین‌ترتیب، نمایشی وجود ندارد که مخاطبان برای خرید بلیت آن اقدام کنند. در سایت گیشه تئاتر نیز، فقط امکان خرید بلیت نمایش‌های فینگرفود، تارا تینا، بعد از یک نمایش و قصاب که در مجموعه تئاترشهر در حال اجراست، وجود دارد. هرچند بررسی وضعیت فروش بلیت و اجرای نمایش‌ها بیانگر فعالیت محدود آن، هم عمدتاً در سالن‌های دولتی، هم در برخی موارد در سالن‌های خصوصی است، اما اکثر سالن‌های خصوصی به‌دلیل قطع اینترنت بین‌الملل و ازدست‌دادن راه‌های ارتباطی با مخاطبان به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی، امکان فعالیت ندارند. کاخ هنر یکی از همین سالن‌های تئاتر است که به گفته روابط عمومی آن، این مجموعه به‌دلیل اختلال گسترده ارتباط با مخاطبان از طریق شبکه‌های اجتماعی، هیچ نمایشی در حال اجرا ندارد. درمجموع به‌نظر می‌رسد که سالن‌های تئاتر همچنان در رکود اجراها و تماشاچی‌ها به‌سر می‌برند و اجراهای محدود هم مرتبط به فعالیت سالن‌های دولتی است. البته مشخص نیست که بعد از بازشدن اینترنت بین‌الملل و شبکه‌های اجتماعی، حال‌وروز تئاتر به قبل بازگردد. به هر روی صحنه همیشه متاثر از وقایع روز جامعه بوده است و این روزها کمتر کسی حال‌وهوای زندگی روزمره دارد، اهالی تئاتر هم از این وضعیت مستثنی نیستند.